

نگرش‌های ضد مهاجرتی در روسیه

محمد رضا جهانگیری^۱

مسئله مهاجرت برای روسیه یک انتخاب نیست، بلکه برای حفظ جمعیت و نیروی کار این کشور ضروری است. با این همه، سیاست مهاجرت روسیه فراگیر و یکپارچه نیست و با مشکل اصلی فقدان بیان صریح اهداف آن مواجه است. علاوه بر این، مهاجرین خارجی اغلب نه تنها در معرض اتهام سلب منافع اجتماعی-اقتصادی شهروندان بومی روسیه قرار دارند، بلکه همچنین به عنوان تهدیدی برای همگونی فرهنگی و قومی جامعه و هویت ملی این کشور نیز تلقی می‌شوند. مقاله حاضر پدیده مهاجرت را هم از منظر رقابت‌های اقتصادی و هم از چشم‌انداز ملی‌گرایی، هویت ملی و تعصبات قومی مورد ارزیابی قرار داده است. پرسش اصلی مقاله این است که «دلیل اصلی مخالفت عمومی اقوام عمده روسیه و به‌ویژه روس‌ها با مهاجرت گسترده به روسیه چیست؟» و این فرضیه به آزمون گذشته شده است که «دلیل اصلی مخالفت عمومی در روسیه با مهاجرت گسترده به این کشور، نه تعصبات نژادی و قومی بلکه ترس از عدم سازگاری مهاجرین با فرهنگ و ارزش‌های جامعه روسیه است». در همین راستا، چارچوب مفهومی پژوهش به تبیین نظری منابع احساسات ضد مهاجرتی از طریق مرور ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع اختصاص یافته است. یافته‌های مقاله نیز که از نوع کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است، مؤید فرضیه مقاله است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، قومیت، بیگانه‌هراسی، اکثریت قومی روس و اقلیت‌های قومی روسیه.

^۱ نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان.

Email: m_r_jahangiri@yahoo.com

- این مقاله علمی - پژوهشی می باشد، تاریخ دریافت ۹۸/۳/۱۷ و تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۸

مقدمه

روسیه نیز همچون بسیاری از اقتصادهای پیشرفته و نوظهور طی دهه‌های آتی با چالش‌های جمعیت‌شناختی جدی مواجه خواهد بود. بر پایه پیش‌بینی‌های دولت روسیه در صورت پایداری نرخ زاد و ولد کنونی بر جمعیت این کشور در سال ۲۰۳۵ نه‌تنها در مقایسه با امروز افزوده نخواهد شد، بلکه ۲,۵ میلیون نفر نیز کمتر خواهد بود. در این صورت انتظار می‌رود ۳,۱ میلیون نفر از جمعیت فعال روسیه که در سن اشتغال قرار دارند، کاسته شود (WPR, 2019). به همین جهت، مقامات ایالتی و فدرال روسیه نیاز به اصلاح این روند از طریق بازنگه‌داشتن درهای این کشور به‌روزی مهاجرین را به‌رسمیت می‌شناسند و طرح‌هایی را برای تسهیل ورود نیروی کار تدوین نموده و برنامه‌هایی نیز برای سازگاری آنها با جامعه روسیه تدارک دیده‌اند.

استفاده از مزایای اقتصادی مهاجرت نیز تا حد زیادی بخشی از راهبرد مسکو برای مقابله با اثرات مخرب تحریم‌های غرب و بهبود رکود اقتصادی طولانی‌مدت در این کشور به‌شمار می‌آید. بنابراین مسأله مهاجرت برای روسیه یک انتخاب نیست، بلکه برای حفظ جمعیت و نیروی کار این کشور ضروری است. به همین دلیل نیز در سال‌های اخیر برخلاف کشورهای اروپای غربی که به تشدید کنترل‌های مرزی روی آورده‌اند، روسیه بیش از پیش درهای خود را به روی مهاجرین گشوده است.

با این همه، سیاست مهاجرت روسیه فراگیر و یکپارچه نیست و با مشکل اصلی فقدان بیان صریح اهداف آن مواجه است. اساساً در رابطه با راهبرد توسعه بلندمدت روسیه میان نهادها و نخبگان این کشور اتفاق نظر وجود ندارد. برخی استدلال می‌کنند که روسیه باید بر محوریت نژاد روس و ارزش‌های مسیحیت ارتدوکس^۱ متکی باشد. پیروان این دیدگاه طرفدار وضع محدودیت‌ها علیه مهاجرت هستند. دیدگاه جایگزین این است که روسیه به‌منظور برآورده ساختن منافع سیاسی، اقتصادی و جمعیتی بلندمدت خود به مهاجرین نیاز دارد. این بحث مداوم به بروز تناقضات گیج‌کننده‌ای در خط‌مشی‌های مهاجرتی روسیه طی دو دهه گذشته منجر شده است. به‌گونه‌ای که این خط‌مشی‌ها در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۵ و دوباره در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۲ محدودکننده بودند، اما در بازه‌های زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ و دوباره از

^۱. Orthodox Christianity

۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ نسبتاً تسهیل شدند و از آن زمان به بعد تا به امروز به تدریج بر درجه سهولت آنها افزوده شده است (Mukomel, 2019).

به‌رغم گشایش در سیاست‌های مهاجرتی روسیه، مهاجرین و به‌ویژه کارگران مهاجر اغلب برای دسترسی به خدمات اجتماعی دچار مشکل هستند و باید مجموعه‌ای پیچیده از قوانین و مقررات را رعایت کنند تا قادر به ماندن در روسیه باشند. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز یک سیستم پیچیده مقررات و قواعد دسترسی به بازار کار در روسیه رشد یافته است. در حال حاضر چگونگی تردد مهاجرین در داخل کشور، انتخاب محل زندگی و دسترسی آن‌ها به بازار کار روسیه بر حسب وضعیت اقامت و کشوری که شهروندی آن‌را دارند، تعیین می‌شود. در این میان، شهروندان کشورهای مستقل همسود^۱، اتحادیه اروپا و بلاروس دارای امتیازات خاصی هستند و از حقوقی مشابه شهروندان روسیه منتفع می‌شوند (Mukomel, 2019).

قوانین و مقررات مهاجرتی روسیه نیازمند تغییرات ساختاری هستند تا دسترسی مؤثر مهاجرین به خدمات اجتماعی همچون آموزش و خدمات بهداشتی ممکن شود و نیز اصلاحاتی در نظام آموزشی و سیستم قضایی این کشور به‌منظور جذب مهاجرین در جامعه این کشور ایجاد شود. با اینهمه، آیین‌نامه اجرایی مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه برای بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۵^۲ که در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ از سوی ولادیمیر پوتین ابلاغ شد (President of Russia, 2018) به ضرورت انجام چنین اصلاحاتی اشاره نمی‌کند و سیاست سازگاری و یکپارچه‌سازی را نادیده می‌گیرد.

پدیده مهاجرت به روسیه در پژوهش‌های پیشین اغلب به‌صورت تک‌بعدی در چارچوب مسایل هویتی، خط‌مشی‌های دولتی، اقتصاد سیاسی و مطالعات امنیتی مورد بحث قرار گرفته، اما رویکرد مقاله حاضر چند بعدی و یا دست‌کم دو بعدی است و این پدیده هم از منظر رقابت‌های اقتصادی و هم از چشم‌انداز ملی‌گرایی، هویت ملی و تعصبات قومی بررسی شده است. هجوم انبوهی از مهاجرینی که به زبان‌های گوناگون صحبت می‌کنند و عادات، فرهنگ‌ها و هنجارهای متفاوتی دارند از نظر ادغام این مهاجرین در جامعه روسیه چالش

¹. Commonwealth of Independent States

². Russia's State Migration Policy Concept 2019-2025

جدی محسوب می‌شود. علاوه بر این، موضوع مهاجرت به‌طور بالفعل و یا بالقوه ممکن است به کاهش فرصت‌های شغلی و منابع درآمدی بهتر برای شهروندان بومی روسیه بیانجامد. این احتمالات به‌خودی‌خود و حتی پیش از وقوع بر احساسات ضد مهاجرتی در روسیه دامن زده و افکار عمومی در این کشور را به‌سمت گروه‌های ملی‌گرای افراطی مخالف مهاجرت سوق می‌دهد. از این چشم‌انداز، مهاجرین خارجی اغلب نه‌تنها در معرض اتهام سلب منافع اجتماعی-اقتصادی شهروندان بومی روسیه قرار دارند، بلکه همچنین به‌عنوان تهدیدی برای همگونی فرهنگی و قومی جامعه و هویت ملی این کشور نیز تلقی می‌شوند. تأثیر مهاجرت بر همبستگی ملی تا حدی به سیاست‌ها و مواضع دولت نسبت به تنوع نژادی نیز بستگی دارد. بسته به رژیم قومیت^۱ (سیاست‌های قومیتی) در یک کشور، مهاجرت می‌تواند یک منبع و یک ابزار کلیدی برای پشتیبانی از طرح‌های ملی‌گرایی جدید مبتنی بر همگرایی تمامی گروه‌های قومی یا مانعی بر سر راه یکپارچگی ملی محسوب شود (Akturk, 2014:1). در صورت برجستگی دیدگاه نخست، مهاجرت گسترده می‌تواند روسیه را در عوض یک کشور همگون^۲ (از طریق سرکوب قومیت‌ها) به یک کشور چندقومیتی اما همچنان یکپارچه تبدیل سازد.

با این همه، زمانی که بحث هویت ملی به‌میان می‌آید، مهاجرت همواره به‌عنوان یک "چالش" یا "مانع" برای یک دولت-ملت به تصویر کشیده می‌شود. این واقعیت به‌ویژه برای روسیه به‌مثابه یک کشور چندقومی با گرایش‌های قوی ملی‌گرا صدق می‌کند که سیاست‌های تنوع نژادی و مهاجرتی متناقضی را طی دو دهه گذشته دنبال نموده است. بررسی عوامل تعیین‌کننده نگرش جامعه میزبان نسبت به مهاجرین و مهاجرت، بخش مهمی از پژوهش‌های علوم اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهد و پژوهش‌گران سیاسی و اجتماعی تلاش دارند تا نشان دهند که چگونه موقعیت نسبی یک گروه در یک نظم اجتماعی طبقه‌بندی‌شده قومی بر تعصب درون‌گروهی در قبال مهاجرین تأثیر می‌گذارد. در این راستا، مقاله حاضر بر آن است تا با مروری بر روند مهاجرت کنونی به روسیه و تدقیق در نگرش‌ها در خصوص مهاجرین و مسأله مهاجرت در میان گروه‌های قومی روسیه، ریشه احساسات ضد مهاجرتی در این کشور را کشف نماید. بنابراین در این مقاله، دلایل مخالفت عمومی گروه‌های

^۱. Ethnicity Regime

^۲. Assimilation

قومی اصلی روسیه به‌ویژه قوم روس با مهاجرت گسترده به این کشور از چشم‌انداز آثاری که مهاجرت می‌تواند بر هویت ملی داشته باشد، مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این رو، پرسش اصلی مقاله این است که «دلیل اصلی مخالفت عمومی اقوام عمده روسیه و به‌ویژه روس‌ها با مهاجرت گسترده به روسیه چیست؟» در این راستا، مقاله حاضر ابتدا به بررسی مخالفت عمومی با مهاجرت و منابع آن در روسیه معاصر پرداخته است و شواهد و نشانه‌های عدم تمایل اقوام عمده روسیه و به‌ویژه روس‌ها با مهاجرت گسترده به روسیه را ارائه نموده و سپس به دنبال کشف دلایل اصلی این مخالفت و بی‌میلی برآمده است. در این زمینه، فرضیه به آزمون گذشته شده این است که «دلیل اصلی مخالفت عمومی در روسیه با مهاجرت گسترده به این کشور، نه تعصبات نژادی و قومی بلکه ترس از عدم سازگاری مهاجرین با فرهنگ و ارزش‌های جامعه روسیه است.» به عبارت بهتر در برخی جوامع حتی آمیزش اختیاری مهاجرین با دیگر اقوام و پذیرش فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مسلط بر جامعه نه تنها مانع احساسات ضد مهاجرتی نمی‌شود، بلکه در جایی همچون رژیم صهیونیستی خطرناک نیز جلوه می‌کند. با اینهمه در احساسات ضد مهاجرتی در روسیه تعصبات نژادی برجسته نیست، بلکه دغدغه هم‌بندی ملی غالب است و تا حدودی نیز نگرانی‌های اقتصادی و امنیتی وجود دارد.

بخش بزرگی از آزمون فرضیه فوق معطوف به کشف عناصر سازنده نگرش‌های ضد مهاجرتی در روسیه است. از این رو، چارچوب مفهومی مقاله به تبیین نظری منابع احساسات ضد مهاجرتی از طریق مرور ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع اختصاص دارد. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسنادی و با مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها، مجله‌ها، تارنماها، مطبوعات و خبرگزاری‌های معتبر خارجی صورت پذیرفته است.

چارچوب مفهومی

پژوهش‌ها درباره منابع احساسات ضد مهاجرتی در کشورهای صنعتی بر روی چندین استدلال نظری تمرکز دارد. برجسته‌ترین استدلال به نقش محوری آسیب‌پذیری اقتصادی اشاره دارد. در این زمینه، مخالفت با مهاجرت به‌طور عمده در میان گروه‌هایی بروز می‌یابد که به‌عنوان زبان‌دیدگان نوسازی شناخته می‌شوند، مردمانی با اندک سرمایه انسانی که

نیازمند فائق آمدن بر پیشرفت‌های فناوری و مرزهای باز هستند. این گروه شامل کارگران مشاغل ساده و یا دارای مهارت اندک، بی‌کاران و افراد فاقد تحصیلات عالیه است که بیشتر در معرض بلا تکلیفی بازار کار دریافت دست‌مزد پایین از دست‌دادن شغل و مشکلات مربوط به کسب موقعیت شغلی جدید هستند (Ceobanu and Escandell, 2010:310). طبق این استدلال، مهاجرت جمعی به‌عنوان یک تهدید رقابتی ویژه فرض می‌شود که در آن کارگران خارجی که اغلب از آموزش و مهارت کمتری برخوردار هستند، سطح دستمزدها را پایین می‌آورند و جانشین مستخدمین بومی در انتهای طیف پایینی نردبان شغلی می‌شوند (Mayda, 2006:517-518). همچنین فرض می‌شود که مهاجرین کمتر آموزش‌دیده و مهارت‌یافته تهدیدی رقابتی برای مزایای دولتی در حوزه‌هایی مانند مسکن و اسکان مجدد، بهداشت و رفاه محسوب می‌شوند.

با این حال، بحث‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آیا احساس تهدید رقابتی بیشتر به موقعیت بازار کار یک فرد (که با سطح مهارت‌ها و آموزش، یا وضعیت اشتغال سنجیده می‌شود) بازمی‌گردد و یا به ناخشنودی اقتصادی ذهنی مربوط می‌شود. از آنجاکه برخی از مشکلات درک شده مربوط به مهاجرت ممکن است با پیامدهای گسترده اقتصادی همراه باشند (برای مثال فشار بر خدمات عمومی و یا عدم پرداخت مالیات)، نگرانی‌های اقتصادی می‌تواند از سطح گروه‌های آسیب‌پذیر در رقابت با تازه‌واردان فراتر رود. بنابراین، ممکن است نگرش‌های مربوط به مهاجرت تحت تأثیر یک احساس ذهنی از ناامنی مادی شکل گرفته باشند. علاوه بر این، احساس ناامنی ممکن است به همان اندازه که به ارزیابی استطاعت مالی افراد در شرایط اقتصادی گوناگون مربوط می‌شود از ابعاد اجتماعی-محور^۱ نیز تأثیر بپذیرد (Bahry, 2016:896).

دیدگاه دیگر، بر نقش عوامل زمینه‌ای در شکل‌دادن احساس تهدید از جانب مهاجرت تأکید می‌کند. نظریه تهدید گروهی^۲ اظهار می‌دارد که مخالفت با مهاجرت از آنجا ناشی می‌شود که اعضای گروه غالب خودشان را در جایگاه نخستین مالکان مدعی مزایا و منابع محلی تصور می‌کنند. در نتیجه، مهاجرت جمعی به‌عنوان تهدیدی برای موقعیت گروه حاکم محسوب می‌شود، به‌ویژه آنجاکه تازه‌واردان سهم بزرگتری از جمعیت را تشکیل می‌دهند یا

^۱. Sociotropic

^۲. Group-Threat Theory

شرایط نامساعد اقتصادی به ایجاد رقابت برای دستیابی به منابع محدود یا رو به کاهش منجر می‌شود. اثر متقابل بافت اقتصادی ضعیف و حضور گروه‌های نسبتاً بزرگ مهاجرین نیز زمینه را برای تشدید احساسات ضد مهاجرین مساعد می‌سازد. از این رو، فرض می‌شود که احساسات ضد مهاجرتی در هر دو سطح جمعی و فردی ریشه در آسیب‌پذیری اقتصادی دارد (Semyonov et al., 2008: 25-27; Davidov and Semyonov, 2017:360).

نقش عوامل فرهنگی/نمادین در مهاجرت‌ستیزی نیز به همان اندازه عوامل مادی و یا حتی بیشتر مورد تأکید قرار دارد. از این چشم‌انداز، ارزش‌ها و هویت‌های عمیقاً رسوخ کرده به افزایش احساس ناامنی از جانب افرادی منجر می‌شود که اعتقادات و رفتارهایی متفاوت از افراد گروه غالب دارند. یکی از عوامل کلیدی پایبندی به ارزش‌های محافظه‌کارانه، حفظ سنت‌ها و حفظ ارزش‌های اجتماعی است که می‌تواند با حضور پرشمار گروه‌هایی با آداب و رسوم متفاوت به چالش کشیده شود. عامل دوم، اعتماد تعمیم‌یافته^۱ (عام) به معنای تمایل به اعتماد به غریبه‌ها است. این عامل از یک دیدگاه عمومی نسبت به طبیعت انسان ناشی می‌شود، یعنی این باور که دیگران اساساً مشابه خود فرد هستند و بنابراین باید قابل اعتماد باشند (Uslaner, 2012:57-59). از این رو، سطح پایین اعتماد به‌مثابه عامل تشدید مخالفت‌ها با مهاجرت ملاحظه می‌شود.

استدلال‌های فرهنگی/نمادین همچنین بر نقش هویت گروهی و نگرش‌های انحصاری^۲ تأکید دارند. مخالفت با مهاجرت یا نگرش‌های انحصاری در دو زمینه متفاوت امکان ظهور دارند. از یک سو، نگرش‌های انحصاری می‌تواند بر پایه عضویت ملی^۳ شکل گرفته باشد و به همه خارجی‌ان بدون توجه به منشا نژادی یا قومی آن‌ها معطوف باشد. از سوی دیگر، نگرش‌های انحصاری می‌تواند بر مبنای نژاد یا قومیت ایجاد شود و منحصر به خارجی‌های به‌لحاظ نژادی یا قومی متفاوت (از اکثریت جمعیت کشور میزبان) اشاره داشته باشد (Gorodzeisky, 2018:205). بنابراین، علاوه بر بررسی مخالفت عمومی با مهاجرت به‌عنوان یک مفهوم کلی، مقاله حاضر دو نوع گرایش متفاوت در قبال مهاجرت در روسیه را از یکدیگر تفکیک می‌کند: نگرش‌های انحصاری مبتنی بر عضویت ملی و نگرش‌های انحصاری

¹. Generalised Trust

². Exclusionary Attitudes

³. National Membership

بر اساس نژاد یا قومیت (که به عنوان مثال به طور انحصاری به مخالفت با مهاجرت جمعیت فاقد ریشه‌های غیر اسلاوی^۱ و/یا غیر روسی اشاره دارد).

ادبیات پژوهشی اختصاصی در مورد روسیه نیز نتایج قابل تأملی را پیرامون چندین استدلال نظری در مورد منابع مخالفت با مهاجرت در این کشور آشکار می‌سازد. در خصوص نظریه رقابت، لئونوا^۲ (2009) نتیجه‌گیری می‌کند که سطح پایین تحصیلات و وضعیت شغلی دون پایه هیچ تأثیری بر گرایش‌های ضد مهاجرتی در روسیه ندارند. در این زمینه، الکسیف^۳ (2004;2011) به شواهد متناقضی دست یافته است. یافته‌های وی در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای از جمله شرایط اقتصادی و حضور یک جامعه مهاجر نسبتاً بزرگ از وزن بالایی در احساسات ضد مهاجرتی در روسیه برخوردار نیست و بنابراین نتیجه‌گیری می‌کند که نگرانی‌های اقتصادی نقش چندانی در شکل‌دهی مخالفت با مهاجرت ندارند. الکسیف در سال ۲۰۱۱ یک نتیجه‌گیری متفاوت ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که عوامل اقتصادی مهم هستند، اما بیشتر به معنای ایجاد حس نا امنی هستند و لزوماً با موقعیت مادی فرد یا محیط اقتصادی محلی ارتباط ندارند. در عین حال، وی نتیجه‌گیری می‌کند که محافظه‌کاری با نگرش‌های مربوط به مهاجرت در ارتباط نیست در حالی که به شواهدی در خصوص تأثیر سایر نگرش‌های فرهنگی/نمادین نیز دست پیدا کرده است.

تأمل در مطالعات پیشین برای شروع بحث در خصوص منابع نگرش روس‌ها در خصوص مهاجرت حائز اهمیت است. با این حال، چند دلیل برای به‌روزرسانی این تحلیل‌ها وجود دارد. نخست اینکه ادبیات موجود مجموعه متنوعی از نمونه‌ها را شامل می‌شود: برخی مطالعات بر روی یک منطقه تمرکز کرده‌اند در حالی که برخی دیگر مناطق وسیع‌تری را دربرمی‌گیرند. نکته دیگر این است که برخی پژوهش‌ها بر منابع اقتصادی بالقوه احساسات ضد مهاجرتی تمرکز دارند، اما عوامل کلیدی دیگر مانند دغدغه‌های هویتی، محافظه‌کاری و اعتماد بین فردی را از قلم می‌اندازند. فراتر از این مسایل، مطالعات اخیر گفتمان عمومی روسیه در مورد مهاجرت، نیاز به بررسی نزدیک‌تر و دقیق‌تر تأثیر رقابت اقتصادی و نگرانی‌ها در مورد فرهنگ و ارزش‌های روسیه را نشان می‌دهد. در واقع، مشکلات اقتصادی و فرهنگی درک شده

¹. Non-Slavic

². Anastassia Leonova

³. Mikhail Alexseev

موضوعات مشترکی هستند که تدقیق در آنها امروزه دیگر به صورت کلی حائز ارزش علمی و کاربردی نیست و باید لایه‌های درونی آنها شکافته شود.

بافت جمعیتی مهاجرین به روسیه

جمعیت روسیه از بیش از ۱۴۵ گروه نژادی تشکیل شده است. در میان اقوام روسیه، قوم روس از نظر اندازه و موقعیت سیاسی در سطح فدرال در جایگاه برتر قرار دارد (Babichenko, 2014:47). اعضای گروه‌های قومی در دوران اتحاد جماهیر شوروی صاحب حقوق ویژه‌ای در مناطق خود بودند. این حقوق ویژه به‌طور عمده به حوزه‌های فرهنگی و سیاسی مربوط می‌شد، اما در حوزه‌های دیگر نیز تأثیرگذار بود. با این حال، جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی عملاً با تقسیم کار قومی مشخص می‌شدند که در آن نمایندگان ملیت‌های بومی در مشاغل پایین به کار گرفته می‌شدند در حالی که روس‌ها بیشتر مشاغل معتبر را به‌خود اختصاص داده بودند (Giuliano, 2011:42-43).

ایجاد یک سطح معین از استقلال منطقه‌ای در ابتدای دهه ۹۰ میلادی، فرصت‌هایی برای معکوس کردن این رابطه نامتقارن فراهم کرد. این وضعیت دسترسی ملیت‌های قومی به منابع محلی را سرعت بخشید و برتری سنتی قوم روس در رقابت بر سر شغل‌های پردرآمد از جمله اشغال پست‌های دولتی را به‌طور مؤثر معکوس کرد (Laruelle, 2014:20-21). اگرچه وضعیت قومی رسمی دیگر مستلزم چنین مزایای ملموسی نیست، اما ممکن است با ادعای مالکیت خاص (حتی اگر مبتنی بر امتیاز رسمی به‌جای برتری واقعی باشد) مرتبط باشد. مالکیت رسمی منطقه ظاهراً امتیاز ویژه ملیت‌ها را در قلمرو جمهوری قومی خود تضمین می‌کند و روس‌ها را به‌طور رسمی از این امتیازات محروم می‌سازد. با وجود این، سلطه عددی روس‌ها در برخی از جمهوری‌ها به‌همراه موضع اکثریت آنها در سطح ملی، موقعیت نسبی آنها را نسبت به سایر ملیت‌ها در سطح منطقه‌ای تحکیم بخشیده است (Minescu, 2012:36).

تمایز بین ملیت‌های رسمی و غیر رسمی در شوروی ممکن است به‌عنوان تمایزی میان گروه‌های قومی بومی و غیر بومی در نظر گرفته شود. به همین ترتیب، وضعیت رسمی نه‌تنها با مجموعه‌ای از مقررات قانونی و اجرایی مرتبط است، بلکه شامل ادعاهای خاص در مورد قلمرو بر مبنای بحث سکونت قبلی نیز می‌شود که می‌توان از آن تحت عنوان قومیت

سرزمینی^۱ نام برد (Sokolovskiy, 2015:195). از این رو، نگرش نسبت به مهاجرین در روسیه در محدوده گفتمان بومی‌سازی^۲ قرار می‌گیرد. در واقع، فدرالیسم نژادی اتحاد جماهیر شوروی نه‌تنها منجر به نهادینه‌سازی قومیت شد، بلکه پیوند بین هویت ملی گروه‌های رسمی و سرزمین‌های قلمرویی آنها را نیز نهادینه کرد. در نتیجه، موقعیت یک گروه قومی در نظم اجتماعی روسیه با عضویت در گروه قومی و اقامت در یک حوزه اداری خاص پیوند خورده است (Minescu, 201:45).

جریان مهاجرت در شوروی با انحلال اتحاد جماهیر شوروی که به طور عمده تحت تأثیر عوامل قومیتی و سیاسی قرار داشت، توأم بود. در سراسر دهه ۹۰ میلادی، جریان مهاجرت در روسیه تحت تأثیر بازگشت روس‌ها به کشورشان قرار داشت. سیاست درهای باز در آن زمان و کمبودهای اقتصادی حاکم بر کشورهای مستقل همسود^۳ منجر به جریان مهاجرت کاری بی‌سابقه‌ای به روسیه شد. از اوایل هزاره سوم میلادی نیز مهاجرینی وارد روسیه شدند که به طور عمده غیر روس بودند. اکثریت مهاجرین از جمهوری‌های تحت حاکمیت شوروی آمده بودند و ملیت رسمی کشورهایشان را نمایندگی می‌کردند. بر اساس آمار رسمی روسیه، ۸۹ درصد مهاجرین ثبت‌شده در سال ۲۰۱۶ را شهروندان کشورهای مستقل همسود تشکیل می‌دادند و ریشه ۸۳ درصد کارگران خارجی دارای مجوز کار معتبر و تقریباً همه دارندگان امتیاز قانونی انجام کار برای افراد و خانواده‌ها در روسیه به کشورهای مستقل همسود بازمی‌گشت. این وضعیت از سال ۲۰۰۸ تا کنون تغییر نکرده است (Brunarska, 2019:7).

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، جمعیت خارجی در روسیه در سال ۲۰۱۵ به ۱۱,۵ میلیون نفر رسید که در حدود ۸,۱ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌داد. با این حال، این رقم همچنین شامل افرادی است که از پیش از فروپاشی به‌مثابه مهاجرین داخلی از جمهوری‌های شوروی به روسیه مهاجرت کرده بودند و همچنین جمعیت‌هایی از اقوام روس که در فاصله زمانی کوتاهی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اغلب پیش از سال ۱۹۹۶ به روسیه بازگشتند (United Nations, 2015).

¹. Territorialised Ethnicity

². Indigenisation

³. Commonwealth of Independent States (CIS)

با توجه به کاهش جمعیت عادی در روسیه که شدیدترین آن بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ اتفاق افتاد، مهاجرت بین‌المللی نقشی حیاتی در کاهش پیامدهای منفی بحران جمعیتی و رفع کمبود بازار کار داشته است. اگر روسیه از سال ۱۹۹۲ تا اوایل دهه نخست هزاره دوم با بیش از ۸ میلیون مهاجرت خالص مثبت مواجه نمی‌شد، جمعیت این کشور بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ بیش از ۱۳ میلیون نفر کاهش می‌یافت (Markowitz and Peshkova, 2016:278).

به‌رغم این اثر سودمند، مهاجرت به‌طور مداوم نگرانی‌هایی را در جامعه روسیه برمی‌انگیزد. از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی، نگرش‌های ضد مهاجر در روسیه افزایش یافته است. مسئولیت این اتفاق تا حدی بر عهده مقامات مسئول است که نه تنها تعدیل احساسات ضد مهاجرین را در دستور کار قرار نمی‌دهند، بلکه گاهی به آن نیز دامن می‌زنند (Larys and Mares, 2011:134). همچنین شایان ذکر است که مهاجرهراسی^۱ در روسیه صرفاً به مهاجرین خارجی محدود نمی‌شود. به‌عنوان نمونه با برخی از مهاجرین داخلی که بیشتر شامل اقوام غیر روس از جمهوری‌های قفقاز شمالی می‌شوند نیز با وجود اینکه شهروندان روسیه هستند همچون خارجی‌ها رفتار می‌شود و هدف نگرش‌های متخاصم ضد مهاجرتی قرار می‌گیرند (Grigoryan, 2016:206).

مخالفت با مهاجرت بین‌المللی در روسیه معاصر را باید در پرتو جریان‌های مهاجرتی اخیر و تعداد شهروندان خارجی در این کشور طی یک دهه گذشته مورد توجه قرار داد. طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۵ تعداد مهاجرین دائم مجاز به روسیه از دیگر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی بالغ بر ۳,۲ میلیون نفر بود و ملیت‌های جمهوری‌های شوروی اکثریت پر قدرتی از مجموع جریان مهاجرت به این کشور را تشکیل می‌دادند. افزون بر آن، مهاجرت کاری موقت در دهه نخست هزاره سوم اساساً رشد یافته بود و به عاملی مهم در بازار کار روسیه تبدیل شده بود. در سال ۲۰۱۴، تعداد کل مجوزهای کار به کارگران خارجی به اوج خود رسید، یعنی در حدود ۳,۷ میلیون مجوز که بیشتر آن‌ها به شهروندان کشورهای مستقل همسود اعطا شد. برآورد می‌شود که تعداد کارگران مهاجر موقت ثبت‌نشده اندکی کم‌تر از تعداد کارگران خارجی با مجوزهای استخدام باشد. با این حال، باید خاطرنشان کرد که سهم کارگران خارجی در بازار کار روسیه در پی بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۱۳ به بعد در این کشور به یک سوم کاهش یافته است (Denisenko, 2017:138-140).

^۱. Migrantophobia

با توجه به جغرافیای مهاجرت در آغاز سده بیستویکم، جریان ورودی از "خارج نزدیک"^۱ (کشورهای اتحاد جماهیر شوروی) نه تنها مسلط بود، بلکه رو به افزایش نیز بود در حالی که سهم مهاجرت از کشورهای "خارج دور"^۲ (کشورهای خارج از مرزهای شوروی مانند چین، ترکیه و ویتنام) رو به کاهش بود. هم‌زمان، تنوع قومی جمعیت مهاجر در روسیه از آغاز سده حاضر به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. در پایان سده بیستم، اوکراین، بلاروس و مولداوی کشورهای اصلی مبدا بودند، اما سهم مهاجرین از کشورهای آسیای مرکزی (به‌طور عمده از ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان) با ورود به سده بیستویکم به‌طور پیوسته‌ای افزایش داشته است. در نخستین دهه از سده بیستویکم، گسیل مهاجرین از ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به روسیه باعث شد تا سهم مردمان متعلق به گروه‌های قومی آسیای مرکزی در میان مهاجرین روسیه بیشتر از کشورهای اروپایی یا اسلاوی باشد. با وجود جریان شدید مهاجرین از آسیای مرکزی، جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز در سده جدید در صدر کشورهای مهاجرفرست به روسیه قرار داشتند. در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ جمعیت مهاجر از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تقریباً ۴۰ درصد کل مهاجرین به روسیه را تشکیل می‌دادند (Chudinovskikh and Denisenko, 2017).

درگیری‌های نظامی اخیر در شرق اوکراین نیز به مهاجرت حدود ۱ میلیون اوکراینی به روسیه طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ منجر شد (Bessudnov, 2016:570). هرچند مهاجرت از اوکراین به روسیه همیشه قابل توجه بوده است، اما موج مهاجرتی اخیر جمعیت مهاجر اوکراینی را در روسیه به‌طور قابل توجهی افزایش داد. در واقع، اگرچه رکود اقتصادی سال ۲۰۱۴ در روسیه، جذابیت بازار کار این کشور را برای مهاجرین از کشورهای مستقل همسود (به‌ویژه قزاقستان) کمتر کرده است، اما درگیری‌های ادامه‌دار در اوکراین انگیزه شهروندان این کشور را برای نقل مکان به روسیه شدت بخشیده است (Denisenko, 2017:141).

از این رو، جمعیت سه گروه بزرگ خارجی در روسیه در میانه سال ۲۰۱۵ شامل ۲٫۶ میلیون اوکراینی، ۲٫۲ میلیون ازبک و ۱ میلیون تبعه تاجیک بود (Bessudnov, 2016: 570). در سال ۲۰۱۶ نیز در حدود ۵۷۵ هزار نفر به روسیه مهاجرت کرده بودند که ریشه تقریباً ۹۰ درصد آنها به کشورهای مستقل همسود بازمی‌گشت. در این میان، سهم اوکراین از

^۱. Near Abroad

^۲. Far Abroad

مهاجرت‌ها از کشورهای مستقل همسود در حدود ۳۳ درصد و سهم مجموع کشورهای آسیای مرکزی ۴۰ درصد بود. دو کشور اصلی مهاجرفرست به روسیه در خارج از مرزهای شوروی نیز چین و کره شمالی بودند (FSSS, 2018).

سیاست‌های مهاجرتی روسیه

سیاست مهاجرتی روسیه طی دهه گذشته تحولات بنیادی و همچنین اصلاحات تقریباً مستمری را تجربه کرده است. سه اصلاح عمده در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵، برخی آزادی‌ها را وعده داده بود که البته به سرعت تحت الشعاع سازوکارهای کنترلی ضمیمه آنها قرار گرفت. انتخاب‌های سیاست مهاجرتی اغلب منعکس‌کننده فرآیندهای پیچیده تجمیع منافع مردم، کارفرمایان، وزارتخانه‌ها و تصمیم‌گیرندگان سطح بالا هستند. به‌رغم برخی سیاست‌های متناقض، اصول کلی و سازوکارهای اساسی قانون‌گذاری در زمینه مهاجرت در روسیه تقریباً ثابت هستند. به‌عنوان نمونه، برخی تصمیم‌سازی‌ها (از جمله اعطای مجوز به مهاجرین) به بخش‌های اجرایی تفویض شده است تا پیشی نگرفتن تعداد مجوزهای قانونی مهاجرت از خلاء موجود در بازار کار تضمین شود و از عواید کنترل مهاجرت در برهه‌های زمانی مختلف به نفع بازار کار و اقتصاد این کشور استفاده شود.

اولین اصلاح اساسی در قانون مهاجرت روسیه در سال ۲۰۰۷ وعده داده بود که کارگران مهاجر از کشورهای مستقل همسود می‌توانند به‌طور مستقل با دریافت مجوز کار از یک کارفرمای مشخص ازادانه بین کارفرمایان در حوزه کاری همان مجوز جابه‌جا شوند. با این حال، اصلاحیه سال ۲۰۰۷ با اعلام ممنوعیت کار کارگران خارجی در برخی حوزه‌های کاری خاص، اعمال سهمیه‌ها یا محدودیت‌های بالا برای همه مهاجرین و عدم رفع مشکلات اداری که مانع بهره‌مندی مهاجرین از تسهیلات وعده داده شده در قانون می‌شد، عملاً بسیاری از کارگران خارجی را از گرفتن مدارک کاری محروم ساخت (Mukomel, 2013: 24; Tetrushvily, 2012: 58). بخش‌های اجرایی نیز در تمام سطوح بر اساس راهنمای نخبگان سیاسی عمل می‌کردند تا اطمینان حاصل کنند که تنها آن دسته از مهاجرین آشکارا مورد پسند امکان دریافت مجوزهای قانونی را دارند. با اینهمه، تصور کنترل و دست‌چین مهاجرین توهمی بیش نبود، چراکه نتیجه چنین سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای، افزایش تعداد مهاجرین غیر قانونی بود.

به دنبال مشکلاتی از این دست بود که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در ژوئن ۲۰۱۲ مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه تا سال ۲۰۲۵ را به منظور سامان‌دهی بخش‌های مهاجرتی و تنظیم جریان‌های مهاجرت به این کشور امضا و ابلاغ کرد. هدف سیاست مذکور این بود که منافع اقتصادی مهاجرت کاری برای روسیه را به حداکثر برساند. این سند همچنین به دنبال ارائه یک سیستم مجوز و تدوین مجموعه قوانین جدیدی بود تا یافتن شغل برای متخصصین خارجی واجد شرایط را تسهیل سازد (Bisson, 2016:6). با این حال، به رغم تلاش این سند برای توسعه مثبت سیاست مهاجرت، روسیه همچنان برای کارگران ماهر و دانشجویان فاقد جذابیت لازم بود. از این رو، اصلاحات در قوانین مهاجرتی این کشور کماکان ادامه یافت.

سومین اصلاح قابل توجه در قوانین مهاجرتی روسیه در سال ۲۰۱۵ رخ داد و با چندین سیاست همراه بود که می‌توانست مشارکت قانونی مهاجرین در بازار کار را تسهیل سازد. یکی از این سیاست‌ها گسترش مجوزهای کار "پرداخت به اندازه مصرف"^۱ تحت عنوان "امتیازنامه"^۲ بود که به مهاجرین کشورهای مستقل همسود اجازه کار نزد همه کارفرمایان در همه حوزه‌های کاری را در صورت پیش‌پرداخت مالیات ماهیانه می‌داد. یکی دیگر از سیاست‌ها، ابتکار اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۳ بود که اجازه جابه‌جایی آزادانه اتباع کشورهای عضو را در روسیه می‌داد (Mihaylova, 2017:181-182). با این حال، موانعی مانند آزمون‌های زبان، حق‌الزحمه بیشتر تحویل مدارک، الزامات قرارداد کار و افزایش استفاده از لیست‌های سیاه (فهرست افراد ممنوع‌الورود به روسیه) یا محدودیت ورود دوباره در جهت مخالف آزادسازی محدودیت‌ها عمل کرده‌اند. به‌ویژه، لیست‌های سیاه به موضوع انتقاد پژوهش‌گران، فعالان مدنی و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

ارزیابی پیامدهای اصلاح قوانین مهاجرتی در روسیه در دو برهه زمانی ۲۰۰۷ و ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که اقدامات زیربنایی در حوزه مهاجرت بدون لحاظ سازوکاری سیاسی یا چارچوبی نهادی با تحول همراه نخواهد بود. بخش‌های اجرایی سختگیرانه عمل می‌کنند، واسطه‌ها و بازیگران دولتی مشتاق با طرح‌های خود زمینه فساد و ارتشا را به وجود می‌آورند و

^۱. Pay-As-You-Go

^۲. Patents

^۳. Eurasian Economic Union

کارفرمایان و مهاجرین در بخش غیر رسمی با مصونیت نسبی و با آگاهی از اینکه بسیاری از مشکلات بسیاری می‌توانند با رشوه حل شوند، عمل می‌کنند. در همه این مدت، اما استفاده گزینشی از سازوکارهای کنترلی مشهود این توهم را به وجود آورده بود که دولت روسیه در خصوص سامان‌دهی به وضعیت مهاجرت جدی است (Schenk, 2018:2).

با اینهمه، نیاز روسیه به نیروی کار مهاجر به اندازه‌ای جدی است که با طرح‌های متناقض و گام‌های نمادین قابل رفع نیست. مقامات روسیه از بحران جمعیتی و کاری موجود در این کشور و به‌ویژه در مناطق سیبری و شرق دور به‌خوبی آگاه هستند (Motrich, 2018:1-2). در پی همین نیاز و آگاهی بود که مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه برای بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۵ در سال ۲۰۱۸ تدوین و از سوی پوتین برای اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط در این کشور ابلاغ شد (President of Russia, 2018).

این سند که جایگزین نسخه پیشین مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه (ژوئن ۲۰۱۲) به‌شمار می‌آید در اصل به‌منظور جذب شهروندان خارجی و مهاجرین برای احیای جمعیت این مناطق کم‌تراکم طراحی شده است. طبق این سیاست، روسیه به‌طور فعال از مهاجرت کارگران خارجی ماهر با هدف زندگی و کار در این مناطق کم‌جمعیت حمایت می‌کند و در صورت ایجاد پیوندهای نزدیک‌تر با روسیه، آنها را به اقامت دائم در این مناطق ترغیب می‌کند. روسیه به‌طور خاص بر آن است تا با هند در مورد تدبیر سیاست مهاجرت دولتی مذاکره کند و بنابراین هند ممکن است بخش زیادی از کارگران ماهر مورد نیاز برای ارتقاء توسعه اقتصادی روسیه در این مناطق کم‌جمعیت را عرضه دارد (Talukdar, 2019).

با کاهش نرخ رشد جمعیت در روسیه، مهاجرت شهروندان این کشور به‌سمت غرب و تشدید پدید فرار مغز، توسعه سرزمین‌های وسیع توسعه‌نیافته در سیبری شرق دور روسیه نیاز به یک سیاست مهاجرت ساختاریافته دارد که مهاجرین خارجی را به‌سوی خود جلب کند. از این رو، برای اینکه سیاست مهاجرت از چشم‌انداز مهاجرین و خارجی‌ها دوستانه تلقی شود، دولت روسیه در نسخه جدید مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه سعی کرده است با تکیه بر یک الگوی منظم تدابیری را به‌کار بندد که مهاجرین احساس راحتی کنند.

طبق سند مذکور، دولت برای کاهش مهاجرت غیر قانونی از فناوری‌های شناسایی بیومتریک استفاده خواهد کرد. سیاست جدید مهاجرت همچنین راه‌هایی را برای مقابله با تبعیض نژادی علیه مهاجرین، تفکیک محل زندگی آنها از شهروندان بومی، ایجاد محاصره

قومی و حاشیه‌نشینی شهروندان خارجی اندیشیده است. با این همه، بیگانه‌هراسی^۱ علیه مهاجرین در روسیه، شامل مناطق شرق دور این کشور در حال افزایش است. البته اشاره به بیگانه‌هراسی در روسیه با هدف مخوف جلوه‌دادن این کشور قابل توجیه نیست، چراکه بیگانه‌هراسی در همه جای دنیا وجود دارد و تقریباً رو به گسترش است. با رشد ملی‌گرایی و افزایش قدرت جریان‌های راست افراطی، مدارای شهروندان در سراسر جهان نسبت به مهاجرین کاهش می‌یابد و تعصب جای آن‌را می‌گیرد. مهاجرین فاقد مهارت موسوم به مهاجرین یقه آبی^۲ نیز بیش از سایرین هدف بیگانه‌هراسی قرار می‌گیرند از جمله در روسیه. با اینهمه، روسیه برای توسعه و رونق بخشیدن به شرق دور نیازمند جذب مهاجرین یقه آبی به همراه مهاجرین متخصص ماهر است.

مفهوم سیاست مهاجرت ملی روسیه شفاف می‌سازد که مهاجرت برای روسیه یک پدیده مثبت و برای توسعه بیشتر این کشور ضروری است. هدف اصلی این طرح، افزایش جمعیت روسیه و تحریک توسعه اقتصادی کشور است. برای رسیدن به این هدف، روسیه باید مهاجرین از جمله دانشجویان، کارگران ماهر و کارگران یقه آبی را در بخش‌های ساختمانی، تأسیسات و بازرگانی جذب نماید. تأکید این سیاست بر ایجاد سیستم مشوق‌ها برای ترغیب مهاجرین به اقامت دائم در روسیه و تطبیق قوانین روسیه با نیازهای واقعی بازار کار است. این سند تسهیل تدریجی روندهای مربوط به ورود به کشور، اشتغال، ثبت اقامت و مراقبت‌های پزشکی برای مهاجرین را باعث می‌شود و همچنین ایجاد و پیاده‌سازی برنامه‌های همگرایی جامع را ممکن می‌سازد که مانع انزوای جوامع مهاجرین و افزایش تنش میان آنها با سایر گروه‌های اجتماعی می‌شود.

منابع احساسات ضد مهاجرتی در روسیه

دو متغیر کلیدی مؤثر بر نگرش‌ها نسبت به مهاجرین عبارتند از ویژگی‌های قوم‌شناسی مهاجرین ورودی و سیاست کلی دولت در مورد تنوع قومی که در اصطلاح "رژیم قومیت" نامیده می‌شود. در حال حاضر در روسیه هر دو عامل در جهت فرسایش تدریجی ساختار

1. Xenophobia

2. Blue-Collar

چندقومیتی رسمی فدراسیون روسیه، به‌مثابه میراث اتحاد جماهیر شوروی به‌نفع یک دولت-ملت همگون‌تر پیش می‌روند.

در توضیح عامل نخست (ویژگی‌های قوم‌شناسی مهاجرین ورودی) باید به این نکته اشاره کرد که ریشه تقریباً همه مهاجرین به روسیه از جمله ۹۹٫۵ درصد از ۱۱ میلیون نفری که بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲ به این کشور مهاجرت کرده‌اند به کشورهای مستقل همسود بازمی‌گردد (Andrienko and Guriev, 2005: 16). اکثر این دسته از مهاجرین به زبان روسی صحبت می‌کنند یا به دلیل تعلق‌شان به قوم روس یا به این دلیل که زبان روسی هنوز یک زبان رسمی یا زبان غیر رسمی برای ارتباط بین قومی در کشورهای متبوع‌شان به‌شمار می‌آید. از این منظر، صحبت به زبان روسی لزوماً هم‌ارز با قومیت روسی نیست.

در آخرین سرشماری شوروی در سال ۱۹۸۹، ۱۱ میلیون غیر روس ساکن در خارج از مرزهای روسیه امروزی ثبت شده بود که زبان مادری خود را روسی اظهار داشته بودند. از این تعداد ۵٫۷ میلیون نفر در اوکراین، ۱٫۹ میلیون نفر در بلاروس، ۱٫۵ میلیون نفر در قزاقستان، ۵۰۰٫۰۰۰ نفر در ازبکستان و ۴۴۶٫۰۰۰ نفر در مولداوی ساکن بودند. این تعداد علاوه بر ۲۵ میلیون روس تباری بودند که خارج از روسیه زندگی می‌کردند و نیز پاسخ‌دهندگانی که اگرچه ممکن است از زبان روسی به‌عنوان زبان روزمره استفاده می‌کردند، اما زبان دیگری را به‌عنوان زبان مادری خود گزارش کرده‌اند (Codagnone, 1998: 53-54). از این گذشته، اکثر جمعیت کشورهای مستقل همسود از زبان روسی به‌عنوان زبان دوم استفاده می‌کنند.

مهاجرت یا بازگشت خویشاوندان قومی به وطن علاوه بر تقویت توازن جمعیتی به‌نفع اکثریت قومی اغلب به تشدید ملی‌گرایی و حملات بیگانه‌هراسی نیز منجر می‌شود. این وضعیتی است که در بازه زمانی ۱۹۹۱-۱۹۹۳ در پی بازگشت مهاجرین آلمانی از سرزمین‌های اتحاد جماهیر شوروی به آلمان اتفاق افتاد و حملات بیگانه‌هراسی علیه مهاجرین غیر آلمانی را تا سه برابر افزایش داد (Akturk, 2012: 14). بخشی از افزایش نگرش‌های ضد مهاجرتی در روسیه طی دهه پایانی سده بیستم را نیز می‌توان به چنین روند مشابهی نسبت داد. علاوه بر این، مهاجرت گسترده خویشاوندان قومی (روس‌ها) به روسیه، اکثریت بزرگ قوم روس را که در حدود ۸۰ درصد جمعیت روسیه را تشکیل می‌دادند با وجود پایین بودن نرخ زادوولدشان نسبت به سایر اقوام این کشور، تحکیم بخشید.

عامل دوم (رژیم قومیت) در مقایسه با ویژگی‌های قومی مهاجرین نقش مهم‌تری در نگرش‌های ضد مهاجرتی ایفا می‌کند. سیاست دولت روسیه از زمان ریاست جمهوری بوریس یلتسین^۱ (۱۹۹۱-۱۹۹۹) به سمت همگونی و دور شدن از ملت چندقومیتی (به‌مثابه نشان رویکرد اتحاد جماهیر شوروی به تنوع قومی) در حرکت بوده است. حکومت‌های روسیه از زمان فروپاشی شوروی به دنبال زدودن تفاوت‌های قومی و کاهش استقلال اقوام بوده‌اند. در دوران یلتسین، هویت قومی از گذرنامه‌های داخلی به‌رغم اعتراض‌های شدید مردمی در جمهوری‌های قومی مانند تاتارستان^۲، باشقیرستان^۳ و اینگوشتیا^۴ حذف شد. اقوام این کشور به‌شدت از حذف هویت قومی افراد در مدارک شناسایی خود بیمناک بودند و این عمل را موجب از دست رفتن تدریجی خودمختاری قومی و حتی هویت قومی خود می‌دانستند. با اینهمه در حالی که پیشتر ذکر هویت قومی در گذرنامه‌های شخصی اجباری بود از سال ۱۹۹۷ این کار حتی به‌صورت داوطلبانه ممنوع اعلام شد (Akturk, 2014:3-4).

در دوران یلتسین همچنین گزینه قومیت نیز از گواهی‌های تولد شهروندان روسیه حذف شد. پوتین نیز در دوران ریاست جمهوری خود مسیر مشابهی را پیمود و در ادامه حذف نمادهای قومی از این کشور، وزارت ملیت‌ها^۵ را منسوخ و چهار منطقه خودمختار قومی را با مناطقی که آن‌ها را محاصره کرده بود، ادغام نمود. پوتین همچنین سیستم انتخاب مستقیم رؤسای جمهور در جمهوری‌های مستقل قومی را در تلاش برای کاهش مشروعیت مردمی آنها برچید (Akturk, 2014:4). در میان احزاب روسیه نیز حزب لیبرال دموکرات روسیه^۶ به‌مثابه قدیمی‌ترین و بزرگترین حزب روسیه به‌لحاظ تعداد عضو، معتقد است که روسیه باید مهاجرت را محدود و از تمام روس‌های خارج از کشور حمایت کند (رشیدی، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

در این شرایط، مهاجرت انبوه می‌تواند به تضعیف مدل چندقومیتی بیانجامد که روسیه از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده است. زیرا مهاجرین که اکثراً روس یا روس زبان هستند، وزن جمعیتی اقلیت‌های غیر روس از جمله تاتارها و باشقیرها را تضعیف می‌کنند. بر این اساس، اقلیت‌های قومی روسیه نگاه مثبتی به پدیده ورود مهاجرین به روسیه ندارند و در

^۱. Boris Yeltsin

^۲. Tatarstan

^۳. Bashkortostan

^۴. Ingushetia

^۵. Ministry of Nationalities

^۶. Liberal Democratic Party of Russia

برابر آن موضع می‌گیرند. گروه‌های قومی رسمی روسیه به‌خوبی از آثار منفی احتمالی مهاجرت گسترده بر وضعیت خود آگاه هستند. آنها خود را بازندگان احتمالی مهاجرت دسته‌جمعی به روسیه تصور می‌کنند و به همین سبب نیز سطوح بالاتری از بیگانه‌هراسی علیه مهاجرین را در مقایسه با روس‌ها از خود بروز می‌دهند.

با اینهمه، چنین استدلالی از جانب روس‌ها به‌کار نمی‌رود و آنها نیز از ورود مهاجرین به روسیه استقبال نمی‌کنند. در واقع، اگرچه احساسات ضد مهاجرتی در روسیه در میان اقلیت‌های قومی منشاء هویتی دارد، اما دلیل مخالفت روس‌ها که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد با پدیده مهاجرت بیش از آنکه در مسایل هویتی ریشه داشته باشد از رقابت بر سر دسترسی به فرصت‌های شغلی و منابع اقتصادی بیشتر ناشی می‌شود.

مطالعات اخیر در مورد نگرش نسبت به مهاجرین در روسیه نیز نشان می‌دهد که این نگرش‌ها با خوش‌آمدگویی فاصله زیادی دارند (Malinkin, 2013:27-30). در واقع، نگرش روس‌ها به مهاجرین به‌طور قابل‌توجهی منفی‌تر از اغلب کشورهای اروپایی است (Gorodzeisky, 2015:115). چندین مطالعه نیز واقعیت تفاوت بین گروه‌های قومی در روسیه از نظر نگرش در قبال اعضای خارج از گروه را مورد بررسی قرار داده‌اند. مطالعه انجام‌شده توسط الکسیف^۱ (2010) نشان داد که اقلیت‌های قومی روسیه نسبت به روس‌ها در مواجهه با مهاجرین مدارای بیشتری دارند. هررا^۲ (۲۰۱۶) نیز به نوبه خود به شواهدی دست پیدا یافته است که نشان می‌دهد تنها اقلیت‌های قومی غیر اسلاو به نسبت روس‌ها کمتر به بیگانه‌هراسی روی می‌آورند در حالی که این یافته برای اسلاوهای غیر روس (اوکراینی‌ها و بلاروس‌ها) صادق نیست. برخی بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که نگرش نسبت به مهاجرین با ریشه‌های غیر اسلاو و غیر اروپایی به‌طور مشهودی به نسبت مهاجرین اسلاوی و اروپایی خصمانه‌تر است (Bessudnov, 2016:567). بیسودنوف^۳ (2016)، اما در پژوهش خود منکر نقش بالقوه جایگاه یا اندازه یک گروه قومی در نگرش‌های ضد مهاجرتی در روسیه شده است.

¹. Mikhail A. Alekseev

². Yoshiko M. Herrera

³. Alexey Bessudnov

همان‌گونه که پیداست، پژوهش‌ها برای کشف احساسات نسبت به مهاجرین در روسیه فراوان است، اما مطالعاتی که به‌طور نظام‌مند نگرش شهروندان روسیه در قبال خود پدیده مهاجرت (یعنی، نگرش‌های شهروندان بومی راجع به پذیرش مهاجرین بالقوه در کشورشان) را به آزمون گذاشته باشد به‌طور شگفت‌انگیزی کم است. این در حالی است که پدیده مخالفت با مهاجرت باید به‌طور مفهومی از نگرش‌ها در قبال مهاجرین متمایز باشد. اولی نه‌تنها به احساس ضد مهاجرتی مربوط می‌شود، بلکه دیدگاه‌های مربوط به سیاست‌های مهاجرتی اجرا شده توسط دولت را نیز دربر می‌گیرد.

بر این اساس، نگرش‌ها در قبال مهاجرین را می‌توان به ادراکات عمومی از بیگانگانی نسبت داد که پیشتر وارد کشور شده‌اند در حالی که نگرش نسبت به مهاجرت را به‌طور کلی می‌توان به‌عنوان برداشت‌های عمومی در مورد پذیرش خارجی‌ها تلقی کرد. سبانو^۱ و اسکندل^۲ (2010:313) ضمن شناسایی این تمایز در پژوهش‌های مربوط به مهاجرت در روسیه، به این نکته اشاره دارند که حتی مطالعاتی نیز که این دو نوع نگرش را به‌عنوان مفاهیم متمایز در نظر گرفته‌اند، توجه کمتری به نگرش‌ها نسبت به مهاجرت در مقایسه با دیدگاه‌های عمومی نسبت به مهاجرین داشته‌اند. به همین جهت نیز سیاست مهاجرت روسیه اغلب تحت تأثیر نگرش‌ها نسبت به مهاجرین تدوین و پیاده‌سازی می‌شود.

همانند بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر، بازیگران متعدد خواسته‌های متناقضی از سیاست مهاجرت روسیه دارند. بازار کار داخلی در روسیه به‌دلیل کاهش جدی نیروی کار نیازمند حضور انبوه کارگران مهاجر به‌ویژه در بخش‌های یدی و خدماتی است. در مقابل، اکثریت قومی روس نگران از دست رفتن تدریجی هویت روسی کشورشان هستند. اقلیت‌های قومی روسیه نیز به‌جهت تنگ‌تر شدن عرصه رقابت بر سر کسب موقعیت‌های شغلی در پی ورود مهاجرین از حضور آنها هراس دارند. نکته قابل‌توجه اینکه خطر تهدید هویت برای این دسته از شهروندان روسیه به‌مراتب شدیدتر از اکثریت قومی روس است چراکه عمده مهاجرین ورودی به این کشور، روس و یا دست‌کم روس زبان هستند و بنابراین پدیده مهاجرت در درازمدت به کاهش وزن جمعیتی اقلیت‌های قومی روسیه در مقایسه با روس‌ها منجر خواهد شد. به همین جهت می‌توان استدلال کرد که منبع احساسات ضد مهاجرتی در

^۱. Alin M Ceobanu

^۲. Xavier Escandell

روسیه به‌طور عمده از نگرش‌ها در قبال مهاجرین ناشی می‌شود و کمتر به خود پدیده مهاجرت و ضرورت انکارناپذیر آن مربوط می‌شود.

نتیجه‌گیری

با کنار هم گذاشتن شواهد ارائه‌شده طی این مقاله و یافته‌های پژوهش‌های پیشین می‌توان به این نتیجه دست یافت که به‌رغم مخالفت عمومی با مهاجرت در روسیه، این مخالفت‌ها بیشتر متوجه مهاجرین است تا خود پدیده مهاجرت. در واقع، شهروندان روسیه نیز همچون حکومت این کشور از ضرورت جذب مهاجرین آگاه هستند. با این حال، هم اکثریت قوم روس و هم گروه‌های قومی اقلیت هر یک بنا به دلایلی نگرانی‌های خاص خود را نسبت به پدیده مهاجرت دارند. این در حالی است که اکثر قریب به اتفاق مطالعات گذشته، احساس شهروندان روسیه در قبال مهاجرین را معادل نگرش آنها نسبت به مهاجرت فرض کرده و بر اساس آن نتیجه‌گیری کرده‌اند.

با اینکه نتایج این‌گونه مطالعات بر هم منطبق نیست و بعضاً یکدیگر را نقض می‌کنند، اما برآیند کلی آنها نشان از وجود رگه‌هایی از نگرش‌های انحصاری مبتنی بر نژاد یا قومیت در روسیه نسبت به مهاجرین دارد. یافته کلی دیگر این است گرایش‌های ضد مهاجرتی در اکثریت قومی روس به نسبت اقلیت‌های قومی این کشور بیشتر است. پژوهش حاضر ضمن تأیید نسبی این نتایج یا دست‌کم اعلام عدم دست‌یافتن به شواهدی برای نقض آنها، به این نتیجه رسیده است که نگرش‌های ضد مهاجرتی اقلیت‌های قومی روسیه برخلاف اکثریت قومی روس فاقد ابعاد هویتی است و به‌طور عمده از احساس تهدید رقابتی بر سر موقعیت بازار کار ناشی می‌شود.

آنچه که تا به امروز عملاً در مطالعات مربوط به نگرش‌های ضد مهاجرتی در روسیه تا حد زیادی مغفول مانده است، نقش سیاست‌های قومیتی حکومت‌های روسیه یعنی رژیم قومیت است که هم بر نگرش اکثریت قومی روس و هم اقلیت‌های قومی این کشور در قبال مهاجرین (و به تبع آن بر پدیده مهاجرت) تعیین‌کننده است. علاوه بر این، وجود نگرش‌های ضد مهاجرتی و بیگانه‌هراسی در جامعه روسیه یک واقعیت است، اما اغراق در آن می‌تواند در فهم دقیق دلایل و تلاش‌ها برای تعدیل آنها گمراه‌کننده باشد.

با این تفاسیر در پاسخ به این پرسش که «دلیل اصلی مخالفت عمومی اقوام عمده روسیه و به‌ویژه روس‌ها با مهاجرت گسترده به روسیه چیست؟» می‌توان فرضیه مقاله مبنی بر اینکه «دلیل اصلی مخالفت عمومی در روسیه با مهاجرت گسترده به این کشور، نه تعصبات نژادی و قومی بلکه ترس از عدم سازگاری مهاجرین با فرهنگ و ارزش‌های جامعه روسیه است» را تا حد زیادی صادق دانست.

منابع و مأخذ

- رشیدی، احمد (۱۳۹۵)، «رهیافت‌های متعارض در سیاست خارجی روسیه»، *مطالعات اوراسیایی مرکزی* ۹(۲): ۲۴۹-۲۶۷.

-Akturk, S. (2012), *Regimes of Ethnicity and Nationhood in Germany, Russia, and Turkey*, Cambridge: Cambridge University Press.

-Akturk, S. (2014), "How Immigration Aids Russia's Transformation into an Assimilationist Nation-State", *PONARS Eurasia Policy Memo*, No. 347, Available at: http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/Pepm347_Akturk_September2014.pdf, Accessed on: 11 May 2019.

-Alexseev, M. A. (2004), "Chinese Migration into Primorskii Krai: Economic Effects and Interethnic Hostility", *Slavic Research Center* (pp. 329-364), Sapporo: Hokkaido University.

-Alexseev, M. A. (2010), "Majority and Minority Xenophobia in Russia: The Importance of Being Titulars", *Post-Soviet Affairs* 26(2): 89-120.

-Alexseev, M. A. (2011), "Societal Security, the Security Dilemma, and Extreme Anti-Migrant Hostility in Russia", *Journal of Peace Research* 48(4): 509-523.

-Andrienko, Y. and Guriev, S. (2005), "Understanding Migration in Russia", *Center for Economic and Financial Research at New Economic School*, No. 23, Available at: <http://www.cefir.ru/download.php?id=216>, Accessed on: 4 April 2019.

-Babichenko, K. N. (2014), "Victimized Majority: Latent Politics of Ethnic Discrimination in Post-Soviet Russia", *Rivista Di Criminologia* 3(2): 46-67.

-Bessudnov, A. (2016), "Ethnic Hierarchy and Public Attitudes towards Immigrants in Russia", *European Sociological Review* 32(5): 567-580.

-Bisson, L. (2016), "Russia's Immigration Policy: New Challenges and Tools", *Russie Nei Visions*, No. 91, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_rmv_91_lioubov_bisson_eng_january_2016_protege.pdf, Accessed on: 11 April 2019.

-Brunarska, Z. (2019), "Anti-Immigrant Attitudes in Russia: The Group Position Model Reconsidered", *Europe-Asia Studies* 28(2): 1-24.

-Ceobanu, A. and Escandell, X. (2010), "Comparative Analyses of Public Attitudes toward Immigrants and Immigration Using Multinational Survey Data: A Review of Theories and Research", *Annual Review of Sociology* 36(1): 309-328.

-Ceobanu, A. M. and Escandell, X. (2010), "Comparative Analyses of Public Attitudes toward Immigrants and Immigration Using Multinational Survey Data:

- A Review of Theories and Research”, *Annual Review of Sociology* 36(1): 309–328.
- Chudinovskikh, O. and Denisenko, M. (2017), “Russia: A Migration System with Soviet Roots”, *MPI: Migration Policy Institute*, 18 May, Available at: <https://www.migrationpolicy.org/print/15920#.WxBTju6FPX4>, Accessed on: 7 April 2019.
- Codagnone, C. (1998), *New Migration and Migration Politics in Post-Soviet Russia*, Rom: SS/CEMES for the Ethnobarometer Programme.
- Davidov, E. and Semyonov, M. (2017), “Attitudes toward Immigrants in European Societies”, *International Journal of Comparative Sociology* 58(5): 359-366.
- Denisenko, M. (2017), “Migration to Russia and the Current Economic Crisis”, in A. Pikulicka-Wilczewska and G. Uehling (Eds.), *Migration and the Ukraine Crisis* (pp. 129–148), Bristol: E-International Relations.
- FSSS (2018), “Indicators of International Migration”, *Federal State Statistics Service*, Available at: http://www.gks.ru/wps/wcm/connect/rosstat_main/rosstat/en/figures/population, Accessed on: 10 April 2019.
- Giuliano, E. (2011), *Constructing Grievance: Ethnic Nationalism in Russia's Republics*, London: Cornell University Press.
- Gorodzeisky, A. (2018), “Opposition to Immigration in Contemporary Russia”, *Post-Soviet Affairs* 35(3):205-222.
- Grigoryan, L. (2016), “National Identity and Anti-Immigrant Attitudes; The Case of Russia”, in J. Grimm, L. Huddy, P. Schmidt and J. Seethaler (Eds.), *Dynamics of National Identity: Media and Societal Factors of What We Are* (pp. 206-218), New York: Routledge.
- Herrer, Y. M. (2016), “Pride versus Prejudice: Ethnicity, National Identity, and Xenophobia in Russia”, *Comparative Politics* 48(3): 293-315.
- Laruelle, M. (2014), “The Ideological Shift on the Russian Radical Right; From Demonizing the West to Fear of Migrants”, *Problems of Post-Communism* 57(6): 19-31.
- Larys, M. and Mares, M. (2011), “Right-Wing Extremist Violence in the Russian Federation” *Europe-Asia Studies* 63(1): 129-154.
- Leonova, A. (2009), “Electoral Choice, Cultural Capital, and Xenophobic Attitudes in Russia, 1994–2006”, in M. Laruelle (Ed.), *Russian Nationalism and the Reassertion of Russia* (pp. 13-48), New York: Routledge.
- Malinkin, M. E. (2013), *A Wary Welcome: Varying Reception of Migrants in Russian Cities*, Washington D C: Woodrow Wilson International Center for Scholars.

- Markowitz, L. P. and Peshkova, V. (2016), "Anti-Immigrant Mobilization in Russia's Regions: Local Movements and Framing Processes", *Post-Soviet Affairs* 32(3): 272-298.
- Mayda, A. (2006), "Who is Against Immigration? A Cross-Country Investigation of Attitudes towards Immigrants", *Review of Economics and Statistics* 88(3): 510-530.
- Mihaylova, I. (2017), "Russia's New Concept of the State Migration Policy until 2025: a Reform towards Effective Policies for International Economic Migrants?", *Geopolitics, History, and International Relations* 9(1): 176-214.
- Minescu, A. (2012), *Relative Group Position and Intergroup Attitudes in Russia*, Utrecht: Utrecht University Repository.
- Motrich, E. L. (2018), "Dynamics of Demographic Processes in the Russian Far East as a Condition of Economic Development", *IOP Conf. Series: Materials Science and Engineering*, No. 463, Available at: <https://iopscience.iop.org/article/10.1088/1757-899X/463/4/042082/pdf>, Accessed on: 12 April 2019.
- Mukomel, V. (2013), "Labour Mobility of Migrants from CIS Countries in Russia", *Central and Eastern European Migration Review* 2(2): 21-38.
- Mukomel, V. (2019), "Russia Needs Immigrants but Lacks a Coherent Immigration Policy", *World Politics Review*, 14 May, Available at: <https://www.worldpoliticsreview.com/trend-lines/27852/russia-needs-immigrants-but-lacks-a-coherent-immigration-policy>, Accessed on: 23 May 2019.
- President of Russia (2018), "Executive Order on Russia's State Migration Policy Concept for 2019-2025", *Presidential Executive Office*, 31 October, Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/58986>, Accessed on: 8 May 2019.
- RNA (22 Feb 2017), "Russia's Defense Chief to Mobilize New Cyber Army", *Russian News Agency*, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-03-21/understanding-the-facebook-cambridge-analytica-story-quicktake>, Accessed on: 12 April 2019.
- Schenk, C. (2018), "Russian Immigration Control: Symbol over Substance", *PONARS Eurasia Policy Memo*, No. 518, March, Available at: http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/Pepm518_Schenk_March2018.pdf, Accessed on: 7 April 2019.
- Semyonov, M., Raijman, R. and Forodzeisky, A. (2008), "Foreigners' Impact on European Societies: Public Views and Perceptions in a Cross-National Comparative Perspective", *International Journal of Comparative Sociology* 49(1): 5-29.
- Sokolovskiy, S. (2015), "Indigenous Identity and the Construction of Indigeneity in Russian Political Practice and Law", in M. Martynova, D.

Peterson, R. Ignatiev and N. Madariaga (Eds.), *Peoples, Identities and Regions: Spain, Russia and the Challenges of the Multi-ethnic State* (pp. 191-208), Moscow: IEA RAS.

–Talukdar, I. (2019), “Russia’s State Migration Policy Concept 2019–2025”, *The Russian International Affairs Council (RIAC)*, 25 June, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_rnv_91_lioubov_bisson_eng_january_2016_protege.pdf, Accessed on: 29 June 2019.

–Tetruashvily, E. (2012), “How Did We Become Illegal? Impacts of Post-Soviet Shifting Migration Politics on Labor Migration Law in Russia”, *REGION: Regional Studies of Russia, Eastern Europe, and Central Asia* 1(1): 53-73.

–United Nations (2015), “Trends in Total Migrant Stock: 2008 Revision”, *United Nations Population Division*, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/SM.POP.TOTL.ZS?locations=RU>, Accessed on: 13 April 2019.

–Uslaner, E. (2012), *Segregation and Mistrust: Diversity, Isolation and Social Cohesion*, New York: Cambridge University Press.

–WPR (2019), “Immigration and Integration Policy around the World”, *World Politics Review*, 14 May, Available at: <https://www.worldpoliticsreview.com/trend-lines/27852/russia-needs-immigrants-but-lacks-a-coherent-immigration-policy>, Accessed on: 8 May 2019.